



شعر کرمانجی

غلامعلی جلیلی

www.ketab.ir



۱۳۹۹

سرشناسه: جلیلی، غلامعلی، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: اسمر: شعر کرمانجی / غلامعلی جلیلی.

مشخصات نشر: بجنورد: بیژن یورد، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۶۶ص.

شابک: 978-622-714536-6

عنوان دیگر: شعر کرمانجی.

موضوع: شعر کرمانجی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی

موضوع: * Kormanji poetry -- 20th century -- Translations into Persian

موضوع: شعر کرمانجی -- قرن ۱۴

موضوع: * Kormanji poetry -- 20th century

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از کرمانجی

موضوع: Persian poetry -- 20th century *Translations -- from Kormanji

رده بندی کنگره: PIR۳۲۵۶

رده بندی دیویی: ۹۱۸/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۴۵۸۱۳

وضعیت رکورد: فیپا



بجنورد: خیابان طالقانی غربی، طالقانی ۴۵ پلاک ۳ طبقه ۲+

تلفن: ۰۹۱۵۱۸۸۲۴۹۹ - ۰۹۱۵۳۸۴۷۵۳۷

عنوان: اسمر شعر کرمانجی

سراینده: غلامعلی جلیلی

ناشر: بیژن یورد

ویراستاری: محمد شاهین پور

تایپ: سمیه مرادی

سال و نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

چاپ: مهتاب

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۴۵-۳۶-۶

فهرست

- ۱.....دیباچه
- ۵.....(پیشینه‌ای مختصر از قوم کرمانج)
- ۱۱.....دهردی یامان (درد لاعلاج)
- ۱۴.....یلدا
- ۱۷.....چهلّی گیر (شب یلدا)
- ۲۱.....داووت (جشن عروسی)
- ۲۵.....زقستان (فصل زمستان)
- ۲۷.....سردار عیوض خان جلالی
- ۳۳.....ئه‌لا مه‌زار الله مزار
- ۳۷.....هیفتی به‌مه‌ن (ماه بهمن)
- ۳۹.....ئاریفتی کورمانج (عارف کرمانج)
- ۴۳.....به‌هار (بهار)
- ۴۵.....بیچن (خوشه چین)
- ۴۹.....جعفرقلی زنگلی (۱۲۶۶/۱۲۲۹)
- ۵۳.....عرفانی جه‌فرقلی (عرفان جعفرقلی) عرفان جعفرقلی
- ۵۷.....عه‌ید (عید)
- ۶۱.....داری مه‌رخّی (درخت سرو کوهی)
- ۶۳.....خۆشکامی (خشکسالی)
- ۶۶.....منابع

دیباچه

با تقدیم بهترین سلام و سپاس محضر خوانندگان عزیز، بسی خوشحال و خرسندم که این کتاب را برای خواندن انتخاب نموده‌اید، خداوند را شاکرم که فرصتی عطا فرمود تا با زبان مادری‌ام و از دریچه زیبای شعر، چند سطر بی‌شمار با شما سخن بگویم. مجموعه اشعاری که در ادامه می‌خوانید گلچینی از خاطرات شیرین و به یاد ماندنی دوران کودکی‌ام تا به امروز است که از میان انبوهی از دیده‌ها و شنیده‌های فرهنگی و ادبی نشأت گرفته و با گذر از جویباران عشق و احساس، نهایتاً تحت عنوان «**نه سحر**» به گویش شیرین کرمانجی

پیروده شده است.

این مجموعه به آن پرداخته‌ام، بیان گوشه‌ای از بین‌های مرسوم و رایج است که روایت ایلپاتی قوم عزیز کرمانج را تداعی می‌کند. همچنین در این میان به معرفی شخصیت‌های ماندگاری می‌پردازد که سالیان درازی است نام و یادشان در قاب

طلایی افتخارات مردمان خطه خراسان می‌درخشد؛ از قطار فشنگ برنو بدوشان مرزبان که شیئه اسب‌هایشان سینه ستر کوه‌های شمالی را می‌شکافت تا دست‌های پینه بسته گندمکاران که واژه مقدس برکت را معنا می‌بخشید.

از ترنم نی نوازی چوپان‌ها بر دامنه‌های شاه‌جهان (شایجان) که روح را پرواز می‌داد تا بر فراز ارتفاعات گلیل و سرانی اوج بگیرد و در لابلای تنگه فیروزه رها شود تا زار زار بر غربت «نامرادی پر ته‌رمان» سردار عیوض‌خان جلالی و پیکر خونین سردار آراز و سردار دردی‌خان و دیگر شهدای فیروزه اشک ماتم بریزد. از نوای شورانگیز بخشی‌ها که در پس هر پرده جانسوز دوتارشان داغی نهفته دارند. زخم‌هایی عمیق که با پداه گویی‌ها سر باز می‌کند و بر صفحه دل ریش ریش هواداران‌شان آتش می‌افروزد.

از عشق سوزان جعفرقلی به ملواری که دستاوردی جز آوارگی در کوه و بیابان نصیص نمی‌کند.

همچنین توصیف سفره‌های رنگین شب چله‌گی‌های کرمانج‌ها که طعم عشق، برکت، همدلی و

پیوند فضای طولانی‌ترین شب سال را به خاطره انگیزترین اوقات زندگی بدل می‌ساخت.

این سبک و سیاق به من انگیزه داد تا مصمم شدم و دست به قلم گرفته در حدّ و مرز ذوق شاعرانه‌ام در پاس داشت ظرفیت‌های غنی فرهنگی کرمانج و روشن نگه‌داشتن مشعل ادبیات اقوام با رعایت اصول و استانداردهای ادبی و عروض وزنی شعر قدمی هر چند کوچک بردارم.

هر چند قلم فرسایی در شأن و منزلت قوم اصیل کرمانج که سراسر وجودشان مملو از عشق، غیرت و جوانمردی است و پیشینه افتخار آفرین‌شان انباشته از جان گذشتگی و حماسه است کاری بهم دشوار بود، لیکن معتقدم با دست روی دست گذاشتن و به گل نشستن کشتی فرهنگ و ادب را نگریستن هم دور از رسم صیانت است.

به امید اینکه علاقه‌مندان شعر و ادب کرمانجی به این بهانه ترغیب شوند تا در فضای رفاقت و همدلی بستری برای گسترش و توسعه شعر کرمانجی فراهم نمایند و در مسیر اعتلای هر چه بیشتر این مقوله به یاری یکدیگر بشتابند.